

ضرورت أخذ مجوز از صاحب حق جهت ترجمه اثر

مهدی کارچانی *

۱. وقایع پرونده

خواهان (س.س.) که منتقل‌آلیه حقوق مادی از جمله حق ترجمه، مربوط به کتاب انگلیسی برای دانشجویان رشته هنرهای تجسمی نوشته م.ح. و م.الف. به زبان انگلیسی بوده، به طرفیت خوانندگان که اقدام به ترجمه این کتاب و انتشار آن بدون مجوز صاحب حق نموده بودند دعوی مطالبه خسارت و ضرر و زیان را طرح می‌کند؛ بدین شرح که با نشر ترجمه این کتاب، فروش کتاب اصلی کاهش یافته و باعث ورود ضرر به خواهان شده است. دادگاه بدوی اجمالاً با این استدلال که حق ترجمه اثر، متعلق به خواهان بوده و خوانندگان دلیلی بر أخذ اجازه از نامبرده ارائه نکرده‌اند با ارجاع موضوع به کارشناس، با استناد به مواد ۲ و ۸ قانون مسئولیت مدنی، ماده ۱ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی (مصوب ۱۳۵۲) و مواد ۲، ۴ و ۶ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (مصوب ۱۳۴۸) حکم به محکومیت تضامنی خوانندگان، به پرداخت مبلغ ۱۲۲ میلیون ریال بابت خسارات مادی وارده صادر می‌نماید. پس از اعتراض یکی از خوانندگان، دادگاه تجدیدنظر با این استدلال که در هیچ‌یک از متون قانونی، ترجمه اثر، منع یا منوط به اجازه مؤلف نگردیده است و ادعای ورود خسارت ناشی از کاهش فروش کتاب اصلی متکی به دلیل نیست، با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی با رجوع به استفتاء به عمل آمده از امام خمینی(ره)، رأی تجدیدنظرخواسته را نقض می‌نماید.



مشخصات رأی تجدیدنظر

شماره دادنامه: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۰۰۲۷

تاریخ صدور رأی: ۱۳۹۳/۰۱/۲۳

مرجع رسیدگی کننده: شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

خواسته: مطالبه خسارت و ضرر و زیان

متن رأی

تجدیدنظرخواهی آقای م.س. مدیر انتشارات ج. به طرفیت س.س. وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نسبت به دادنامه شماره ۴۲-۹۲/۶/۲۶ صادره از شعبه ۵۴ دادگاه عمومی حقوقی می‌باشد. براساس دادنامه موصوف راجع به دعوی تجدیدنظرخوانده به طرفیت: ۱- تجدیدنظرخواه ۲- ع.ر. بخواسته مطالبه خسارت و ضرر و زیان با این توضیح که کتاب «انگلیسی برای دانشجویان رشته هنرهای تجسمی» که به زبان انگلیسی و فاقد ترجمه، جهت استفاده دانشجویان این رشته از سوی س.س. چاپ گردیده لیکن خوانندگان در قالب انتشاراتی به نام انتشارات ج، اقدام به ترجمه این کتاب و انتشار آن با نام «راهنمای کامل انگلیسی برای رشته‌های هنرهای تجسمی» نموده‌اند و به جهت انتشار آن، فروش کتاب اصلی کم شده است. اجمالاً با این استدلال که حق ترجمه اثر مورد دعوی متعلق به س.س. بوده و هیچ شخصی بدون اجازه نامبرده حق ترجمه و انتشار آن را نداشته است و با اتکاء به نظریه کارشناسی که در نظریه مبنای محاسبه خسارت را میزان سود حاصل از فروش ترجمه لحاظ شده و به استناد مواد ۲ و ۸ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۱ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ و مواد ۲ و ۴ و ۶ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ حکم به محکومیت تضامنی خوانندگان، به پرداخت مبلغ یکصد و بیست و دو میلیون ریال بابت خسارت مادی در حق تجدیدنظرخوانده صادر شده است. دادگاه نظر به مجموع محتویات پرونده و مستندات و مدافعات طرفین و اینکه اولاً، صرف نظر از اینکه کتاب اصلی برگرفته از کتب دیگران بوده در هیچ یک از مستندات حکمی مصرح در حکم تجدیدنظرخواسته ترجمه اثر تألیفی، منع یا منوط به اجازه مؤلف نگردیده است؛ ثانیاً، تجدیدنظرخوانده خسارت ناشی از ترجمه اثر بدون جلب رضایت خود را مطالبه نکرده بلکه خسارت ناشی از کاهش فروش کتاب منتشره خود را به جهت انتشار ترجمه آن مطالبه نموده است که ادعای کاهش فروش و وجود رابطه سببیت بین آن و انتشار ترجمه کتاب مذکور متکی به دلیل نیست؛ ثالثاً، با عنایت به عدم وجود حکم صریحی در قوانین موضوعه راجع به ضرورت اخذ مجوز مترجم از مؤلف به دلالت اصل ۱۶۷ قانون اساسی و

ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی، دادگاه، مکلف به یافتن حکم قضیه در منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر است. فلذا به دلالت استفتاء به‌عمل‌آمده از حضرت امام خمینی (ره) راجع به اخذ اذن مؤلف برای ترجمه، ایشان فتوی داده‌اند که برای ترجمه، اذن مؤلف شرط نیست (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۸۷). بنابراین، دادگاه، تجدیدنظرخواهی را نسبت به محکومیت تجدیدنظرخواه، نقض و حکم به بطلان دعوی تجدیدنظرخوانده نسبت به تجدیدنظرخواه صادر و اعلام می‌دارد. این رأی قطعی است.

۲. نقد و بررسی

الف. مقدمه

برابر ماده ۲۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان در صورتی که اثر برای اولین بار در ایران - و نه در هیچ کشوری - چاپ یا نشر یا اجرا شده باشد از حمایت این قانون برخوردار است. در پرونده حاضر، کتاب مورد نظر اگرچه به زبان انگلیسی نگارش یافته ولی نخستین بار در ایران منتشر گشته است و مورد حمایت قانون می‌باشد. اگرچه در ماده ۳ قانون مزبور به «حق ترجمه» به عنوان یکی از حقوق مادی تصریح نشده اما مطابق با بند ۵ ماده ۵ قانون، پدیدآورنده می‌تواند حق ترجمه، نشر و تکثیر و عرضه اثر را به غیر واگذار نماید. بنابراین، مصادیق حقوق مندرج در ماده ۳ قانون مذکور، حصری نیستند. و نیز به موجب ماده ۱۹ همین قانون هرگونه تغییر یا تحریف در آثار علمی و فرهنگی و هنری مورد حمایت این قانون و نشر آنها بدون اجازه پدیدآورنده ممنوع است. در صورتی که «ترجمه» را مصداقی از تغییر در اثر (تغییر در زبان) بدانیم می‌توانیم لزوم أخذ مجوز برای انجام ترجمه را از این ماده استنباط نماییم. با عنایت به مواد مذکور می‌توان گفت حق ترجمه از جمله حقوق مادی پدیدآورنده است و انجام ترجمه منوط به اخذ اجازه از دارنده این حق می‌باشد.

ب. تحلیل رأی دادگاه تجدیدنظر

نخست. براساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی، رجوع به منابع فقهی یا فتاوی معتبر در صورتی لازم است که قوانین

موضوعه راجع به موضوع، کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند و یا قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد. بنابراین با وجود نصّ در زمینه حق ترجمه و لزوم أخذ اجازه از صاحب حق، مراجعه به منابع فقهی و فتاوی معتبر برای یافتن حکم قضیه، فاقد وجاهت قانونی است و مراجعت دادگاه تجدیدنظر به نظر فقهاء لازم نیست. برخلاف نظر این مرجع - همان طور که در مقدمه بیان شد - ماده ۵ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان در حمایت از حق ترجمه صراحت دارد.

دوم. در مورد عبارت «...اولاً: صرف نظر از اینکه کتاب اصلی برگرفته از کتب دیگران بوده...» در رأی دادگاه تجدیدنظر باید گفت در صورتی که اعتقاد این مرجع بر عدم اصالت کتاب اصلی به دلیل کپی برداری از کتب دیگران باشد، اولاً با ذکر این معنا دیگر نیاز به سایر استدلالات نبوده و کتاب اصلی به دلیل فقدان اصالت از شمول آثار مورد حمایت قانون خارج گشته است و ترجمه آن نیز نیازی به کسب اجازه از هیچ شخصی ندارد؛ ثانیاً، اگر چنین معنایی از عبارت مدنظر باشد با توجه به تخصصی بودن موضوع لزوم ارجاع امر به کارشناس در مورد تشخیص اصالت کتاب احساس می شود که در رأی چنین ارجاعی مشاهده نمی شود، اما اگر منظور صرفاً اشاره به برگرفته شدن اثر از آثار پیشین دیگران باشد، فایده ای بر ذکر چنین عبارتی در رأی مترتب نبوده و در تصمیم گیری نهایی بی تأثیر است.

سوم. در خصوص عبارت «در هیچ یک از مستندات حکمی مصرح در حکم تجدیدنظر خواسته ترجمه اثر تألیفی، منع یا منوط به اجازه مؤلف نگردیده است» باید حق را به دادگاه تجدیدنظر داد زیرا علی رغم اینکه استناد به ماده ۱ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی در مورد حمایت از حق مادی ترجمه صحیح نیست [این ماده ناظر به حقوق مترجم درباره ترجمه به عنوان یک اثر مورد حمایت است نه در مورد حق ترجمه اثر]، هیچ یک از مواد ۲، ۴ و ۶ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مندرج در رأی بدوی اشاره ای به حق ترجمه و لزوم أخذ مجوز از دارنده حقوق ندارند و دادگاه بدوی بایستی به ماده ۵ این قانون استناد می نمود. با این همه، عدم ذکر مستندات قانونی در رأی بدوی، تنها مجوزی برای اصلاح مستندات رأی است و رأی نباید به این علت نقض شود.

چهارم. دادگاه تجدیدنظر معتقد است خواهان، «خسارت ناشی از ترجمه اثر بدون مجوز» را مطالبه نکرده بلکه نسبت به «خسارت ناشی از کم شدن فروش کتاب اصلی در اثر انتشار ترجمه کتاب» ادعا دارد چنین ادعایی متکی به دلیل نمی‌باشد. در این باره باید گفت توجه صرف به کلمات مندرج در دادخواست و تفسیر لفظی مطلق در این زمینه راهگشا نیست؛ به نظر می‌رسد آنچه مدنظر خواهان دعوی می‌باشد اینکه وی در اثر ورود کتاب ترجمه‌شده به بازار بدون أخذ مجوز ترجمه برای آن، متضرر شده است و ضرر و زیان ناشی از این اقدام صرف‌نظر از عنوان آن مدنظر وی بوده که نظر کارشناس رسمی دادگستری مؤید ورود ضرر به خواهان می‌باشد.

ج. نتیجه‌گیری

با عنایت به موارد پیش‌گفته، به نظر می‌رسد رأی دادگاه بدوی صرف‌نظر از مستندات حکمی در مورد لزوم أخذ مجوز از دارنده حق ترجمه، فاقد ایراد اساسی است و اقدام مرجع تجدیدنظر در نقض رأی تجدیدنظرخواسته، غیرقابل تأیید می‌باشد.